

بررسی تأثیرات فقر بر انحرافات اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)

احمد سالمی^۱

چکیده

از آن جا که انسان موجودی اجتماعی است زندگی جمعی برای او ضرورت دارد برای اینکه زندگی جمعی بتواند افراد را به سعادت برساند وجود نظم در جامعه لازم است، برقراری نظم در گرو عمل به ملاک ها و موازین پذیرفته شده جامعه که همان هنجارها هستند، می باشد. اما معمولاً کسانی هستند که این هنجارها را نادیده گرفته و هنجارشکنی می کنند.

از نگاه امام علی (علیه السلام) هنجارشکنی ها می تواند عوامل فردی و اجتماعی زیادی داشته باشد. یکی از عواملی که از منظر حضرت در این نوشتار مورد تحقیق قرار گرفته، فقر اقتصادی و نداری است. امام علی (ع) می فرمایند: من از فقر بر شما نگرانم و نگرانی از آن جهت است که فقر جنبه های مختلف زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می دهد. به ویژه افکار و باورهای فرد را متأثر و تضعیف می کند. وقتی باورهای فرد مورد شک و تردید قرار گرفت، کنترل درونی که عامل بسیار مهمی در برابر انحرافات است از بین می رود و افراد به راحتی دست به انحراف می زنند.

لذا حضرت برای از بین بردن این عامل، توصیه ها و راه کارهایی را به افراد و حاکمان جامعه ارائه می دهند که عمل به آن فرامین باعث کم شدن فاصله طبقاتی و بالا آمدن سطح زندگی می شود و نتیجه آن هنجارمند شدن افراد و به سعادت رسیدن آنهاست.

کلید واژه ها: انحراف، هنجار، جامعه پذیری، فقر

^۱ کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

مقدمه

از آن جایی که انسان موجودی اجتماعی است، زندگی جمعی برای او ضرورت دارد. به این معنا که، افراد جامعه برای گذران زندگی، با همدیگر به تشریک مساعی و کنش می پردازند.

اما تشکیل جامعه انسانی و زندگی جمعی، نیاز به اصول و ضوابطی دارد که بتواند افراد نامتجانس را دور هم جمع کند، لذا آداب، رسوم، باورها و بطور کلی فرهنگ متکفل این امر خطیر است. به همین جهت، تعاملات اجتماعی بر اساس ضوابط و هنجارها شکل می گیرد و نوعی نظم در جامعه حاکم می شود. که وجود نظم برای پیشبرد اهداف زندگی فردی و جمعی خیلی لازم است.

بنابراین هر جامعه ای تلاش دارد که افراد خود را با موازین اجتماعی مقبول که هنجارهای اجتماعی نامیده می شوند، طی فرایند جامعه پذیری، آشنا کند.

اما واقعیت انکارناپذیر اینکه، همواره در جوامع افرادی هستند که مطابق انتظارات جامعه عمل نمی کنند و قوانین جامعه را نادیده گرفته و هنجارشکنی می کنند.

از دیرباز اندیشمندان حوزه های مختلف سعی کرده اند ریشه و عامل این هنجارشکنی را در جوامع پیدا کنند. از این رو عده ای سراغ افراد رفتند و فرد را عامل انحراف معرفی کردند و گروهی جامعه و ساختارهای آن را در انحراف افراد جامعه مؤثر دانسته اند.

این نوشتار تلاش دارد فقر را که یکی از عوامل موثر بر انحرافات اجتماعی و هنجارشکنی ها است از نظر امام علی (علیه السلام) مورد بررسی قرار دهد. سؤال اصلی در این مقاله بررسی تأثیر فقر بر انحراف از دیدگاه امام علی (علیه السلام) است.

توضیح واژگان

انحراف:

انحراف، عبارتست از «مجموعه ای از رفتارهای فردی یا جمعی که در ارتباط با انتظارت، هنجارها و یا ارزش های اعلام شده و یا مورد توجه اعضای یک گروه

ناهمساز تلقی می شود و بر اثر بروز این رفتارها تنش ها و یا تضادهایی به وجود می آید که منجر به نگرش های سرزنش آمیز می گردد و عکس العمل هایی نظیر مجازات، طرد، انزوا و یا حتی اعدام را به همراه دارد.^۱

هنجار

«هنجار یکی از مفاهیم مرکزی و هسته ای جامعه شناسی است. که معادل واژه «نُرم (Norm)» در زبان لاتین است.»^۲

یکی از عناصر فرهنگ در هر جامعه ای، ارزش ها هستند که افراد جامعه باید بر اساس ارزش های آن جامعه رفتار کنند ولی ارزش ها تا در جامعه به صورت ملموس و عینی نباشند افراد نمی توانند رفتار خود را با آن تطبیق داده و بر اساس آن عمل کنند، «هنجارها در حقیقت همان شکل عینی شده و تجلی بخش ارزش ها هستند.»^۳

به تعبیر دیگر هنجارها، مقیاس و قالبی برای رفتارهای افراد جامعه هستند.

جامعه پذیری (Socialization)

«جامعه پذیری فرایندی است که طی آن هنجارها، مهارت ها، انگیزه ها، طرز تلقی ها و رفتارهای فرد شکل می گیرد، تا ایفای نقش کنونی یا آتی او، در جامعه مناسب و مطلوب شناخته شود.»^۴

عوامل مؤثر بر انحراف از دیدگاه امام علی (ع)

همانطور که گذشت کجروی و انحراف یک بیماری اجتماعی است که می تواند ثبات و نظم جوامع را به هم بزند، در پیدایش انحرافات اجتماعی و رفتارهای نابهنجار و آسیبزا

۱. منوچهر محسنی، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی؛ چ اول، طهوری، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۳.

۲. فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۷۷.

۳. شمس الله مریجی، کاربرد جامعه شناسی در تبلیغ، چاپ اول، تپش، قم، ۱۳۸۷، ص ۸۱.

۴. پرویز انصاری راد، سیاوش شایان، مریم نادری؛ آموزش درس مطالعات اجتماعی، چ اول، انتشارات صحفی، ۱۳۸۰، ص ۱۶.

عوامل متعددی را می توان نام برد که آنها را در تقسیم بندی به صورت زیر منظم می کنیم.

عوامل:

۱- فردی:

الف) جسمانی (اورگانیزی)، وضعیت ظاهری و قیافه، ژنتیک و...

ب) روانی؛ مانند اختلالات شخصیتی

۲- محیطی:

الف) محیط جغرافیایی و طبیعی

ب) محیط انسانی (جامعه):

۱. عوامل سیاسی

۲. عوامل فرهنگی

۳. عوامل اجتماعی

۴. عوامل اقتصادی : فقر

عامل اقتصادی:

به عقیده بسیاری از محققین در هر جامعه ای شکل تولید و سازمان های اقتصادی مهم ترین عامل مؤثر بر سایر پدیده های اجتماعی است و نظام اقتصادی هر جامعه ماهیت و شکل سایر نهادها را در جامعه تعیین می کند.

می دانیم که افلاطون در جمهوریت برای آنکه به هدف اجتماعی خود که ساختن مدینه فاضله است، برسد، نظام اقتصادی و اجتماعی خاصی را پیشنهاد کرده است.

مارکس و انگلس معروفترین افرادی هستند که در دوران های اخیر به تأثیر عوامل اقتصادی در جامعه توجه خاصی داشته اند. و حتی فلسفه سیاسی خود را بر مبنای «جبر اقتصادی» بنا کرده اند. آنها نظام اقتصادی را «زیر بنای» سایر نهادها و نظام های اجتماعی می دانند البته افکار آنها از طرف دیگران مورد انتقاد واقع شده است.

شکی نیست که شرایط اقتصادی زندگی افراد جامعه - همانطور که خواهد آمد - جنبه های مختلف زندگی را متأثر می کند اما، این بدان معنا نیست که سایر نهادها و به ویژه اراده انسان بی تأثیر است.

فقر

فقر از جمله عوامل اقتصادی مهمی است که می تواند زمینه و بستر مناسبی برای پیدایش بسیاری از انحرافات اجتماعی باشد به تعبیر شهید مطهری «فقر و احتیاج به هر علتی که باشد خودش یکی از موجبات گناه (انحراف) است».^۱

بر اساس آموزه های دین اسلام، مخصوصاً سخنان امام علی (ع)، فقر جنبه های مختلف زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می دهد. در این مقاله به مفهوم فقر، آثار و عوامل بوجود آورنده آن اشاره می کنیم.

۱. مفهوم شناسی فقر

سؤال مهمی که مطرح می شود اینکه منظور از فقر چیست؟ و به چه کسی فقیر می گویند؟

در متون دینی فقر دارای معانی متعددی است. به گونه ای که بین این معانی صرفاً اشتراکات لفظی برقرار است.

فقیری که در این مقاله مورد نظر است، آن چیزی است که در مقابل غنی و توانگری به کار می رود، نداری در برابر دارایی که در آیات و روایات از آن با تعبیری همچون سوء و بدی، بلا و بدبختی و امری بدتر از مرگ از آن یاد شده است.

معانی دیگری نیز برای فقر در منابع دینی به کار رفته، مانند فقر فرهنگی، فقر نفسی، فقر معنوی و فقر دینی که آنها مورد نظر نیست.^۲

به عنوان نمونه اینکه پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «الفقرُ فخری» مفهوم اقتصادی فقر منظور نیست، وگرنه نداری چه افتخاری دارد که انسان بخواهد پیش دیگران برای دفع

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، چاپ چهارم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۸، ج ۲۳، ص ۷۴۶.

۲. سید هادی حسینی، پدیده شناسی فقر و توسعه، دفتر تبلیغات اسلامی (بوستان کتاب قم)، ۱۳۸۰، ص ۷۰-۷۱.

احتیاجش گردن خم کند و شرمنده زن و بچه اش شود و کرامت و عزت او خدشه دار شود بلکه به نظر بسیاری از صاحب نظران، منظور، فقر نفس و روح است و حاکی از این واقعیت است که همه انسان ها در مقابل ذات اقدس الهی که غنی بالذات و مطلق است، فی نفسه فقیرند و در هر لحظه لحظه وجودشان، محتاج فیض و لطف الهی هستند. مفهوم فقر یک مفهوم اضافی است و در مقایسه با مفهوم ثروت و غنی قابل تعریف است. فقیر کسی است که سطح زندگی اش با سطح زندگی ثروتمندان اختلاف زیادی دارد. شهید صدر فقیر را این طور تعریف کرده است:

«فقیر کسی است که از چنان سطح زندگی که وضع عمومی جامعه و مملکت ایجاب می کند و برخوردار بودن از آن، برای تأمین حاجات ضروری و غیر ضروری، میسر و مقدور است، برخوردار نباشد. به عبارت دیگر فقیر کسی است که زندگی اش با سطح زندگی ثروتمندان، اختلاف زیادی داشته باشد و در دو قطب مخالف هم قرار دارند. بی نیاز کسی است که چنین نبوده و قدرت دارد تا احتیاجات ضروری و غیر ضروری خویش را به تناسب ثروت مملکت، تأمین نماید، خواه آنکه سرمایه هنگفتی در دسترس باشد یا نه»^۱.

فقهاء هم به کسی فقیر گفته اند که؛ در زندگی اش کمبود معیشت دارد نه اینکه اصلاً مالی نداشته باشد. یا اینکه گفته اند: کسی که مخارج سال خود را ندارد.

«فقیر کسی است که کمبود معیشت دارد و مسکین کسی است که بی چاره است و هیچ ندارد»^۲.

یا اینکه «فقیر کسی است که مؤنه و هزینه زندگی سالش را نداشته باشد و در تحدید [و تعریف] مؤنه سال و مقدار آن، باید به عرف مراجعه شود و نظر عرف در این جهت به اختلاف زمان ها و مکان های اشخاص مختلف می شود»^۳.

۱. محمد باقر صدر، اقتصاد ما، چاپ دوم ترجمه: عبد العلی اسپهبدی، انتشارات اسلامی، تهران ۱۳۵۷، ج ۲، صص ۳۳۶-۳۳۷.

۲. محمد تقی بهجت، جامع المسائل، چاپ اول، قم، ج ۲، ص ۵۰.

۳. محمد ابراهیم جناتی شاهرودی، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی ج ۱، ص ۴۰۹.

امام علی (ع) نیز می فرمایند: «القبرُ خیرٌ من الفقر؛ قبر (مردن) نیکوتر از فقر است»^۱ و «الفقر موتُ الأکبر»^۲ فقر مرگ بزرگتر است، که از این سخنان فقر اقتصادی برداشت می شود و نه سایر معانی فقر.

۲. آثار فقر بر فرد و جامعه از نگاه امام علی (ع)

از آن جایی که در اندیشه امام علی (ع) فقر و نداری عامل مهمی در پیدایش و شکل گیری انحراف است، تأثیرات آن را بر فرد و جامعه مورد بررسی قرار می دهیم.

۲- ۱. آثار فردی فقر

در حوزه زندگی فردی، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲- ۱- ۱. رابطه فقر با انحراف فکری و عقیدتی

انسانی که از تأمین حداقل معاش زندگی خود ناتوان است به اضطراب و پریشانی فکر دچار می شود. لذا تصمیم گیری درست برای او امکان پذیر نمی باشد.

تعبیری در روایات آمده که فقر را نزدیک به کفر دانسته و کافر کسی است اصول فکری و عقیدتی اسلام را نادیده می گیرد.

بخش زیادی از زندگی فقیران با کارهای سخت و طاقت فرسا سپری می شود، کارهایی که جسم و جان آنان را فرسوده و نابود می کند. افراد فقیر تمام انرژی فکری و توانایی خود را در جهت به کار انداختن چرخ های صناعی به کار می گیرند که اکثر سود آن به جیب صاحبان ثروت می رود. در نتیجه کسی که تمام وقت خود را صرف کار و تلاش و سیر کردن شکم خود و زن و بچه اش می کند دیگری وقتی برای تحصیل علم، دانش و تقویت باورها و اعتقاداتش باقی نمی ماند ممکن است برای برخی از فقرای با ایمان این سؤال مطرح شود که چرا باید همیشه در مشکلات به سر ببرند در حالی که افراد بی ایمان زیادی در ناز و نعمت زندگی می کنند. شبیه شأن نزولی که برای آیات ۱۹۶ و ۱۹۷ سوره آل عمران بیان شده. سئوالی که برای مردم عصر رسول الله (ص) پیش آمد تقریباً می توان گفت که یک سؤال همگانی است که برای افراد هر زمانی مطرح می شود. و آن

۱. کلینی، ج ۸، ص ۲۰.

۲. نهج البلاغه، ص ۶۵۵.

اینکه، آنان غالباً زندگی مرفه و پرناز و نعت گردن کشان، طغیان گران و فراعنه را با زندگی پر مشقت جمعی از افراد با ایمان مقایسه می کنند و می گویند چرا یک عده با داشتن ایمان و تقوا در سختی به سر می برند ولی عده ای با همه آلودگی و انحراف، زندگی مرفه دارند. این سؤال برای افراد می تواند منشأ شک و تردیدهای فراوانی گردد.^۱

به همین جهت امام علی (ع) می فرماید یکی از پیامدهای ناگوار فقر برای فقیر ضعف در یقین است.

«من ابتلی بالفقر ابتلی بربع خصال بالضعف فی یقینه و النقصان فی عقله و الرقة فی دینه و قله الحياء فی وجهه فنعود بالله من الفقر»^۲.

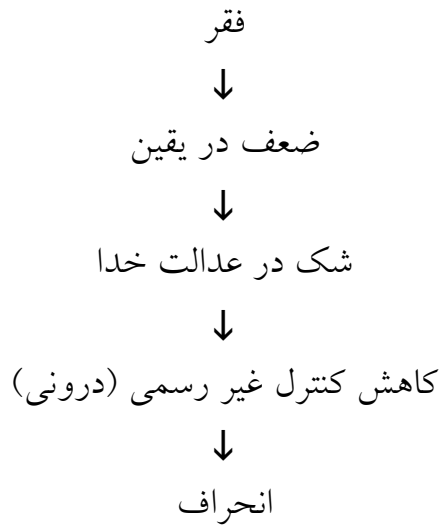
کسی که به فقر مبتلا شود چهار پیامد برای او خواهد داشت، که یکی از آنها ضعف در یقین است.

یقین، همان اعتقاد جازمی است که انسان را در برابر بسیاری از لغزش های فکری و عملی مصونیت می بخشد اما وقتی این اعتقاد جازم دچار تزلزل شد، فرد به عدالت خدا شک می کند چون آموزش لازم را هم ندیده که بتواند مسائل را برای خود تحلیل کند اینک فقر فقرا و دارایی ثروتمندان کار خدا نیست بلکه نتیجه روابط ناسالم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است، که آدم ها بوجود آورده اند.

از طرفی می دانیم که هر چه اعتقادات و باورهای فرد ضعیف تر بشود کنترل غیررسمی و درونی که عامل بسیار بازدارنده ای در برابر کجروی ها است دیگر خوب عمل نمی کند.

۱. ناصر مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، انتشارات امام علی ابن ابیطالب، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۹۲.

۲. بحار ج ۶۹، ص ۴۸.



یا در سخن دیگری حضرت می فرمایند: «یا بُنَّیَّ اِیُّیْ اِخَافُ عَلَیْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنْهُ فَانَ الْفَقْرَ مَنْقِصَةٌ فِی الدِّیْنِ»^۱ فرزندم من از فقر بر تو می ترسم از آن به خدا پناه ببر زیرا فقر مایه نقصان دین است. و نقصان دین زمینه ساز انحراف است.

۲-۲-۲. رابطه فقر و جهل

شکل گیری باورهای صحیح و درست نیازمند سواد و آموزش لازم است در حالی که بسیاری از فقرا از بدست آوردن این نعمت محروم هستند. برای رشد فکر و اندیشه باید بسیاری از تسهیلات فراهم شود در غیر این صورت، انسان گرفتار جهل و نادانی می شود که عامل بسیاری از لغزش های انسان است. لذا حضرت علی (ع) فرمودند: «لَا فِقْرَ كَالْجَهْلِ؛ فَقْرٌ مَّانِدٌ جَهْلٌ نِیْسٌ»^۲. چون راه درست و هنجار را با چراغ دانش و آگاهی می توان دید.

بدون شک اگر فرد منحرف و کجرو، نسبت به توان و استعداد های خود در راه رسیدن به کرامت انسانی آشنا باشد خود را به راحتی در معرض انحراف قرار نمی دهد.

۱. نهج البلاغه، ص ۵۳۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۰.

به همین جهت آموزش افراد جامعه لازم است. امام علی (ع)، یکی از وظایف مهم حاکمیت را توسعه آموزش و پرورش می داند. آن جا که می فرماید «علی الامام ان یعلم اهل ولایته حدود الاسلام و الایمان؛ بر حاکم اسلامی است که افراد جامعه تحت حاکمیتش را با دستورات اسلام و ایمان آشنا سازد».^۱ که سیره عملی آن حضرت نیز همین مطلب را نشان می دهد.

امام باقر (ع) می فرماید: «هنگامی که علی (ع) نماز صبح به جا می آورد، در حال تعقیب نماز بود تا خورشید طلوع می کرد، بعد قشرهای مختلف جامعه دور او جمع می شدند و حضرت به آنان دین شناسی و قرآن می آموخت».^۲

۱. غرر الحکم، ص ۳۴.

۲. محمد محمدی ری شهری، سیاست نامه امام علی (ع) ترجمه: محمد مهریزی، چاپ اول، انتشارات دارالحدیث، قم، ۱۳۷۹، ص ۲۳۰.

۲- ۱- ۳. فقر و نقصان عقل.

این حقیقت در بسیاری از متون دینی آمده است و در جامعه نیز می توان مشاهده کرد که عقل و اندیشه و قدرت درک آدم های فقیر به خاطر ضعف آموزشی و ارتباط کم آنها با افراد جامعه و کنش های اجتماعی، به قدر کافی رشد نمی کند. دلیل این مدعا اینکه افراد فقیر زیادی هستند که مورد سوء استفاده افراد و باندهای تبهکار برای رسیدن به مقاصدشان قرار می گیرند.

لذا حضرت علی (ع) فرمودند: فقر باعث «نقصان در عقل؛ النقصان فی عقله» می شود. همچنین فرمودند «الفقر منقصة فی الدین، مدهشة للعقل،...» همانا فقر دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان می کند.

۲- ۱- ۴. فقر و انحراف اخلاقی

علماء علم اخلاق به طور مبسوط در کلمات خود نسبت به انحرافات اخلاقی تذکر داده اند و از کلماتی نظیر «رذائل اخلاقی» و «گناهان کبیره» و... استفاده کرده اند مانند بدگمانی و سوء ظن، تهمت زدن به دیگران و...
حضرت علی (ع) در این باره می فرمایند:

«الفقر یفسد الاخلاق» فقر و نداری اخلاق را فاسد و زشت می کند.

و همینطور فرمودند: «العُسر یثین الاخلاق» تنگدستی اخلاق را زشت می کند.^۱
توضیح مطلب:

کسب فضائل اخلاقی در گرو «ملکه شدن» است و لازمه ملکه شدن نیز تکرار عمل صالح و نیک است در حالی که برای فقیر به خاطر شرایط کاری و زندگی اش امکان تکرار عمل صالح کم است همانطور که برخی جامعه شناسان معتقد هستند که در محله های فقیرنشین به عکس صفات رذیله و ناپسند ملکه می گردد.

۱. عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و در الکلم، انتشارات دفتر تبلیغات، قم ۱۳۶۶، ص ۳۶۵.

لذا حضرت به فرزندش امام حسن (ع) فرمودند: «لَاتَلْمُ انْسَانًا يَطْلُبُ قَوْتَهُ فَمَنْ عَدِمَ قَوْتَهُ كَثُرَ خَطَايَاهُ؛ فرزندم انسانی را که دنبال نان شب است (به خاطر کارهایش) سرزنش نکن زیرا کسی که نام شب ندارد لغزش هایش زیاد است.»^۱

۲-۲. آثار فقر بر جامعه

۲-۲-۱. فقر و سرقت

سرقت از بزرگترین انحرافات اجتماعی است، البته در سطوح مختلف جامعه چهره های متفاوتی دارد این پدیده در میان اصحاب قدرت و ثروت به شکلی و در میان فقرا به شکلی دیگر بروز پیدا می کند. مثلاً دزدی های کلان صاحبان قدرت و ثروت از امکانات تحت اختیارشان ناشی از هوا و هوس، طمع، مال دوستی، نیاززدگی و... آنهاست مانند دزدهایی که از بانک ها صورت می گیرد یا سرقت های مالیاتی.

اما بسیاری از سرقت ها از فقر، فلاکت و نداری است. و حتی بسیاری از سرقت هایی که در دستگاه های دولتی انجام می شود شاید با توجه به نسبی بودن معنای فقر قابل توجیه باشد. طبیعی است که اگر در جامعه درصد زیادی فقیر وجود داشته باشد، سرقت، جیب بری، کیف قاپی، باج گیری شیوع پیدا خواهد کرد.

توجه در سیره امام علی (ع) نیز رابطه بین سرقت و فقر را روشن می کند. برای مثال درباره اجرای احکام از سوی حضرت روایت شده که: «جوانی را که دزدی کرده بود انگشتان او را قطع کرد، بعد چند روز او را ننگه داشت و فرمود از بیت المال او را تأمین کنند».^۲ از آن جا که حضرت بعد از اجرای حد او را از بیت المال تأمین کرد معلوم می شود علت سرقت او، فقر و نداری بوده و نه سایر علل.

۲-۲-۲. فقر و فساد اداری

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۸ هـ.ق، ج ۱۳، ص ۱۵

۲. محمد دشتی، امام علی (ع) و مسائل قضایی، تهران، سازمان تحقیقات نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۸۰، ص ۱۲۳.

در بسیاری از موارد فساد اداری ریشه در فقر دارد. حضرت علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر زمانی که او را به فرمانداری مصر انتخاب کرده بود می نویسد: «أَسْبَغَ عَلَيْهِمُ الْارْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ غِنًى لَهُمْ عَنِ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ ...»

روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خویش بیشتر می کوشند، و با بی نیازی دست به اموال بیت المال نمی زنند و اتمام حاجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند»^۱.

و در مورد قضات می فرماید: «پس از انتخاب قاضی، آنقدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد و به مردم نیازمند نباشد»^۲.

۲-۲-۳. فقر و موقعیت اجتماعی

از جمله آثار فقر در عرصه اجتماع اینکه، موقعیت آدم ها را متزلزل می کند و افراد فقیر از جایگاه لازم برخوردار نیستند.

سخن امام علی (ع) در این مورد بسیار شفاف و گویای این حقیقت است که فقیر، حقیر است «یا بنی الفقیر حقیر لا یسمع کلامه و لا یعرف مقامه لو کان الفقیر صادقاً یسمونه کاذباً و لو کان زاهداً یسمونه جاهلاً؛ فرزندم، فقیر حقیر است کسی گوش به سخنش فرا نمی دهد و برای مقامش ارزشی قائل نیستند، اگر فقیر صادق باشد او را دروغگو می نامند و اگر زهد پیشه کند جاهلش می نامند»^۳.

یا فرمود: «المقل غریبٌ فی بلدته»^۴ فقیر در وطن خود غریب است. این کلمات امیرالمؤمنین جایگاه فقیر را در جامعه تبیین می کند و خبر می دهد که فقر موقعیت افراد را به مخاطره می اندازد (لا یعرف مقامه).

تحلیل جامعه شناختی موضوع این است که هرگاه فرد از موقعیت اجتماعی لازم برخوردار نباشد، به راحتی تن به انحراف می دهد. زیرا خود موقعیت و پایگاه اجتماعی

۱. نهج البلاغه، ص ۵۷۹.

۲. همان، ص ۵۷۶.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۴۷.

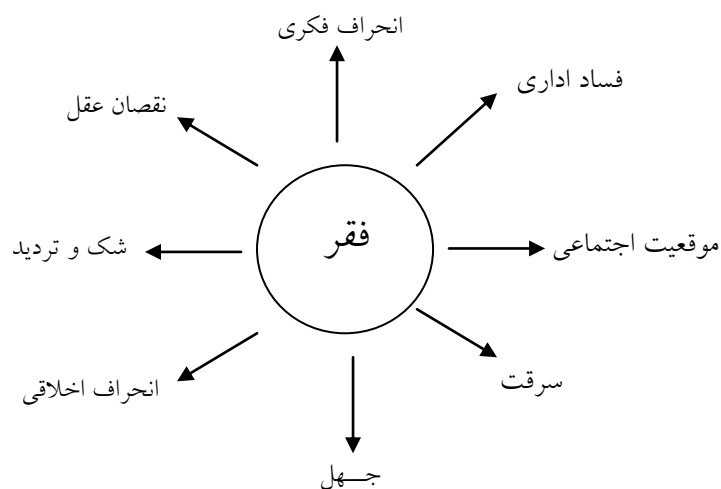
۴. حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، انتشارات؛ جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ هـ ق، ص ۲۰۱.

افراد است که عامل بازدارنده ای در برابر انحراف است. افراد نمی خواهند به راحتی در جامعه موقعیتشان خراب شود و افراد فقیر جایگاهی ندارند که ترس از دست دادن آن را داشته باشند.

۲.۲.۴. فقر و روابط والدین

چرا امیرالمؤمنین (ع) به فرزندش فرمود، من از فقر بر شما می ترسم، شاید به این دلیل است که فقر بسیاری از جنبه های زندگی را متأثر می کند. یکی از آن جنبه ها، کم شدن روابط والدین به ویژه پدر با فرزندان است. وقتی والدین تمام وقت خود را در بیرون از منزل صرف تأمین معاش و مسائل مادی فرزندان کنند به نیاز روحی و عاطفی آنها پاسخ لازم داده نخواهد شد که این خود زمینه انحراف فرزندان و اعضای خانواده را فراهم می کند. بطور کلی آثار فقر را در عرصه فردی و اجتماعی می توان به این شکل نشان داد

مدل:



اما سؤال دومی که در این مقاله مطرح می شود اینکه؛ عوامل بوجود آورنده فقر از نگاه امام علی (ع) چیست.

عوامل به وجود آورنده فقر از منظر امام علی (ع)

۱. عوامل فردی

در اینجا به عواملی که مهمتر به نظر می‌رسند اشاره می‌کنیم و گرنه عوامل دیگری هم خواهد بود.

۱-۱. تنبلی و تن به کار ندادن

رهبران دینی به ویژه امام علی (ع) تنبلی را به شدت مورد مذمت و نکوهش قرار داده‌اند و افراد جامعه را به کار و تلاش تشویق می‌کنند و سیره عملی خودشان نیز این مسأله را نشان می‌دهد «روزی در مدینه گرسنگی شدید بر من عارض شد، در اطراف مدینه دنبال کار بودم زنی را دیدم که مقداری کلوخ جمع کرده و می‌خواهد آب بیاورد و گل درست کند. با او قرار گذاشتم برایش آب بیاورم و در ازای هر ظرف آب یک دانه خرما دریافت کنم. شانزده ظرف آب آوردم تا اینکه دستانم تاول زد. شانزده دانه خرما از آن خانم گرفتم رفتم خدمت پیغمبر و با هم خرما خوردیم»^۱.

حضرت می‌فرمایند:

«مبغوض دارم کسی را که نسبت به کار حیات مادی اش تنبل و بی‌اعتنا است، زیرا کسی که نسبت به زندگی دنیایش چنین است، در مورد آخرتش تنبل تر و بی‌اعتنا تر است»^۲.

۱-۲. خیانت در امانت

یکی از عواملی که گاهی باعث می‌شود کسی به فقر مبتلا شود خیانت در امانت است. امام علی (ع) می‌فرماید: «آفة الأمانه الخیانه»^۳.

توضیح اینکه، کسی که به هر دلیلی در امانت‌های مردم خیانت می‌کند، جامعه اعتماد خود را که مهمترین سرمایه اجتماعی است از او برمی‌دارد و مردم حاضر نمی‌شوند کارهای خود را به او بسپارند. به همین جهت رسول خدا (ص) فرمودند:

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، نشر ادب الحوزه قم، ۱۳۶۴، ج ۱، صص ۱۷۵-۱۷۶.

۲. محمد محمدی ری شهری، موسوعه الامام علی بن ابیطالب فی الکتاب و سنه و التاریخ، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۱ هـ. ق، ج ۴، ص ۱۶۹.

۳. غرر الحکم، ص ۲۵۱.

«ليس منّا من اخلف بالأمانة و الامانة تجلب الرزق و الخيانة تجلب الفقر» از ما نیست کسی که در امانت خیانت کند، امین بودن باعث می شود روزی انسان زیاد شود و خیانت در امانت، انسان را فقیر می کند.^۱

۱- ۳. اسراف و تبذیر

به معنای مصرف کردن بیهوده و هدر دادن ثروت. اگر مالی یا به طور کلی شیءای را در جایی که جایش نیست صرف کنیم می شود اسراف که خود حضرت آن را تعریف فرموده اند؛ «ان اعطاء المال فی غیر حقّه تبذیر و اسراف؛ بخشیدن مال به کسی که مستحق نیست خود گونه ای از اسراف است».^۲

پس اسراف می تواند زمینه فقر را فراهم کند همانطور که امام صادق (ع) فرمودند با «إنّ السرف یورث الفقر و إنّ القصد یورث الغنی» اسراف و زیاده روی موجب فقر می شود و میانه روی در مصرف مایه بی نیازی است».^۳

۲. عوامل اجتماعی فقر

عوامل اجتماعی ای که منجر به فقر می شود، به نظام اجتماعی و سیاسی حاکم بر مردم مربوط می شود.

- نظام آزاد اقتصادی

نظامی که دولت در آن هیچ دخالتی نکند می تواند زمینه ساز فقر در جامعه باشد زیرا در چنین نظامی افراد بر اساس نفع شخصی به فعالیت می پردازند. افراد از آن جایی که مانعی سر راه خود نمی بیند، با هم مسابقه درندگی می گذارند. اینجاست که حاکمیت باید دخالت کند و از حقوق مظلوم دفاع کند. که امیرالمؤمنین (ع) یکی از دلایل حکومت صالح را همین مسأله می داند.

«و یؤخذ به للضعیف من القوی حتی یستریح برّ و یستراح من فاجر؛

۱. کلینی، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۳۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶، ص ۲۴۰.

۳. کلینی، ج ۴، ص ۵۳.

توسط حکومت صالح حق ضعیفان از زورمندان گرفته می شود و از دست بدکاران در رفاه خواهند بود».^۱

در نامه معروف امام علی (ع) به مالک اشتر آمده، «دولت باید کار کند که قیمت ها عادلانه باشد و همینطور جلوی احتکار و گرانفروشی و... را بگیرد زیرا ضرر عمومی را به دنبال دارد».^۲

۲- ۱. مال اندوزی حاکمان

همانطور که عدم دخالت دولت منجر به فقر می شود دخالت بیش از حد و سوءاستفاده حاکمان هم می تواند بستر فقر را فراهم کند.

اگر مسئولین دنبال منافع شخصی خود باشند، بیت المال را حیف و میل کرده و به دوستان و اقربای خود می دهند نظیر آنچه در زمان خلیفه سوم رخ داد که باعث شکاف طبقاتی و فقیر شدن بخشی از جامعه می شود.

امام علی (ع) به مالک اشتر می فرماید «مردم زمانی تنگدست و فقیر می شوند که همت والیان، همه گردآوری مال باشد... وقتی فقر حاکم شود کشاورزان نمی توانند کشاورزی کنند در نتیجه زمین ویران می شود، همانا ویرانی زمین به سبب تنگدستی کشاورزان، به جهت غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتقاد ندارند و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی گیرند».^۳

۲- ۲. تبعیض و نبود عدالت اجتماعی

یکی دیگر از عواملی که از نظر امام علی (ع) می تواند زمینه ساز فقر باشد تبعیض و بی عدالتی است. از نظر امام (ع) فلسفه تشکیل حکومت برقراری عدالت است و تأکید فراوانی بر عدالت حاکمان دارد شاهد این مطلب، رفتار خود حضرت با برادرش عقیل است که از او سهم بیشتر می خواست حضرت آهن گداخته را به او نزدیک کرد.

حضرت در تمام عرصه ها به عدالت توجه دارد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۴۰، ص ۹۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۲، ص ۲۶۳.

۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۷۹.

۱- عدالت در توزیع ثروت ملی و درآمد عمومی جامعه

۲- توزیع عادلانه قدرت

۳- اجرای عادلانه قانون.

۴- ۲- ۳. سوء مدیریت در اداره امور کشور

امام علی (ع) می فرماید: «سوء التدبیر مفتاح الفقر؛ بدی و سوء مدیریت کلید فقر است».^۱

اگر تدبیر جامعه به دست افراد غیر متخصص و نااهل باشد، هر چند که قصد اصلاح داشته باشند، چون تخصص و توانایی لازم را ندارند فساد ایجاد می کند. پیامبر اسلام می فرماید: «مَنْ عَمِلَ عَلٰی غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يَفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يَصْلِحُ».^۲

کسانی که صلاحیت مدیریت جامعه را ندارند هم خود را به زحمت می اندازند و هم برای ملت مشکلات فراوانی به وجود می آورند.

۳. راهکارهای امام علی (ع) برای فقر زدایی از جامعه

حضرت برای فقرزدایی از جامعه راهکارهایی را در قالب توصیه های اخلاقی به فقرا و ثروتمندان جامعه و همچنین برنامه اقتصادی را در حوزه فردی و سازمانی ارائه فرموده اند.

۳- ۱. راهکارهای توصیه ای

۳- ۱- ۱. توصیه با اغنیا

۳- ۱- ۱- ۱. تواضع و فروتنی در برابر مستمندان: «ما أحسن تواضع الاغنياء للفقراء طلباً لما عند الله؛ چه خوش است فروتنی توانگران برای فقراء برای طلب کردن اجر و ثوابی که نزد خداوند متعال است».^۳

۳- ۱- ۱- ۲. سپاسگذاری و شکر نعمت

امام علی (ع) می فرماید: «الشكر زينة الغنى».^۱

۱. غرر الحکم، ص ۳۵۴.

۲. کلینی، ج ۱، ص ۴۴.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۰۶، ص ۷۲۶.

زینت و زیبایی دارایی به شکرگذاری است. اما می دانیم که شکر کردن فقط با زبان نیست و شکر هر نعمتی از نعمت های خداوند، متناسب با همان نعمت است و یکی از مصادیق شکر عملی، انفاق کردن و کمک به مستمندان جامعه است، که با این کار هم شکاف طبقاتی کم می شود و هم امنیت جامعه و ثروتمندان تأمین می شود زیرا وقتی اغنیا به فقرا کمک کنند از فقر بیرون آمده و سراغ سرقت و ناهنجاری های دیگر که می تواند امنیت اغنیا را به مخاطره اندازد نمی روند.

۳- ۱- ۲. توصیه به فقرا

۳- ۱- ۲- ۱. قناعت

راضی بودن به داشته های خود و طمع نداشتن به آنچه در دست دیگران است از توصیه های بسیار مهم اسلامی است. لذا امام علی (ع) می فرماید: قناعت سرمایه ای است که تمام نمی شود، «القناعت مال لاینفد».^۲

۳- ۱- ۲- ۲. عفت و پاکدامنی

اینکه انسان به خاطر فقر و نداری آبروی خود را نریزد و عزت نفس خود را خدشه دار نکند از مسائل بسیار مهم در نگاه دینی است «العفاف زینة الفقر».^۳

۳- ۲. راهکارهای برنامه ای

با توجه به مطالب گذشته می توان نظرات امام علی (ع) را برای کم شدن فقر در جامعه، که عامل بسیار مهمی در انحراف افراد است، به صورت زیر جمع بندی کرد.

۳- ۲- ۱. وظایف فردی

۳- ۲- ۱- ۱. افراد را به کار و تلاش تشویق و از بیکاری و تنبلی نهی می کند. و در این زمینه مورچه را مثال می زند که چگونه برای امر معاش خود به جمع آوری دانه می پردازد.

۳- ۲- ۱- ۲. درست هزینه کردن (عدم اسراف و تبذیر)

۱. همان، حکمت ۶۸، ص ۶۳۸.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۵۷، ص ۶۳۶.

۳. همان، حکمت ۶۸، ص ۶۳۸.

۳-۲-۱. تنظیم خانواده؛ تعداد نانخور و عائله متناسب با درآمد باشد.
حضرت در این باره می فرمایند: «قَلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيَسَارِينِ» کمی نان خور و عائله یکی از دو آسایش و راحتی انسان است.^۱

زیرا کسی که عائله و نان خور او زیاد است برای تأمین معاش آنها ممکن است به هر کاری دست بزند که این خود زمینه انحراف را فراهم کند. هم انحراف نان آور را و هم نان خور را. نان آور که توضیح آن گذشت اما نان خور و اعضای خانواده هم وقتی مانند دیگران تأمین نشوند عُنْده ای می شوند و بعداً از جامعه در قالب ناهنجاری اجتماعی انتقام می گیرند.

۳-۲-۲. وظایف دولت برای فقرزدایی

۳-۲-۱. توزیع عادلانه ثروت و فرصت ها

۳-۲-۲. مراقبت و نظارت دقیق بر کارگزاران و مدیران دولتی.

۳-۲-۳. نظارت بر بازار و کنترل قیمت ها.^۲

۳-۲-۴. دریافت صحیح مالیات و خرج کردن با برنامه آن در راه پیشرفت و عمران بلاد.

۳-۲-۵. عمران و آبادی شهر که منجر به اشتغال زایی می شود.

نتیجه گیری

سؤال اصلی این مقاله، بررسی آثار فقر بر انحرافات اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع) بود. پس از بررسی سخنان و کلمات به جا مانده از حضرت در کتاب نهج البلاغه، غرر الحکم و سایر متون روایی، درباره فقر و تأثیر آن بر رفتار و کردار افراد جامعه نتایج زیر بدست آمد.

۱. حضرت فقر را عامل بسیار مهمی در انحراف افراد جامعه می داند. از جمله اینکه به فرزندش محمد حنفیه فرمود: «انی اخاف علیک الفقر فاستعذ بالله؛ من از فقر و نداری بر

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۱؛ ص ۶۵۸.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

تو می ترسم به خدا پناه ببر». اظهار ترس از طرف امام معصوم که اهل غلو نیست دلیل بر مهم بودن این عامل در انحراف است.

۲. در حوزی زندگی فردی، فقیر وقتی به زندگی اغنیا نگاه می کند چون آموزش لازم را ندیده و معرفت کافی را پیدا نکرده، این تفاوت ها را به خدا نسبت داده در نتیجه اعتقاد و باور او سست می شود که نتیجه ی آن، از بین رفتن کنترل درونی است. در حالی که کنترل درونی، اهرم بسیار قوی برای حفظ افراد در برابر انحرافات در خلوت و جلوت است.

۳. در عرصه اجتماعی فقرا از موقعیت اجتماعی لازم برخوردار نیستند. لذا نمی توانند از حقوق خود دفاع کنند و همواره مورد ظلم واقع می شوند. امام (ع) فرمودند: «فقیر همواره در جامعه حقیر است کسی حرف او را گوش نمی دهد. اگر حرف راست بزند او را دروغگو می دانند».

۴. همانطور که تحقیقات میدانی هم نشان داده اکثر بزهکاران از خانواده های کم درآمد هستند. به دلیل مشغله زیاد والدین برای تأمین معاش فرزندان، مسائل عاطفی و روحی آنها مورد غفلت واقع شده که بچه ها برای جبران این نقیصه در جامعه در دام شیادان گرفتار می شوند. به همین جهت حضرت علی (ع) بحث تنظیم خانواده را متذکر می شوند.

۵. حضرت علت فقر را هم فردی و هم ساختاری می دانند. لذا به افراد دستور به کار و تلاش و به حاکمیت دستور به عمران و آبادی شهرها و ایجاد اشتغال می دهند.

پیشنهادهای امام علی (ع)

به افراد جامعه

۱. پرهیز از تنبلی و بی کاری و تن به کار دادن

۲. پرهیز از اسراف در زندگی

۳. امانت دار بودن و جلب اعتماد عمومی نسبت به خود

به حاکمیت

۱. عمران و آبادی شهرها و ایجاد اشتغال که استفاده از نیروهای انسانی را به دنبال دارد و از هدر رفتن سرمایه های انسانی جلوگیری می کند.
۲. اخذ مالیات با برنامه باشد، ظالمانه و بی برنامه نباشد و مردم آثار آن را در جامعه ببینند.
۳. استفاده از مدیران متخصص و توانا به ویژه در برنامه ریزی های اقتصادی.
۴. نظارت دقیق و جدی توسط افراد صالح بر عملکرد کارگزاران و بازار.
۵. تأمین معاش لازم برای کارمندان دولت، برای جلوگیری از خیانت آنها نسبت به بیت المال.

منابع

۱. اربلی، علی بن عیسی؛ کشف الغمه فی معرفته الأئمه، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۳۶۴
۲. انصاری راد، پرویز، شایان، سیاوش، نادری، مریم؛ آموزش درس مطالعات اجتماعی، چاپ اول؛ انتشارات صحفی؛ ۱۳۸۰.
۳. بهجت محمد تقی، جامع المسائل، چاپ اول، قم، ج ۲، ص ۵۰.
۴. جناتی محمد ابراهیم شاهرودی، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی ج ۱، ص ۴۰۹.
۵. حسینی، سیده‌ادی: «پدیده‌شناسی فقر و توسعه»، دفتر تبلیغات اسلامی (بوستان کتاب قم)، مشهد، ۱۳۸۰
۶. دشتی، محمد؛ امام علی و مسائل قضائی؛ تهران؛ سازمان تحقیقات نیروی مقاومت بسیج؛ ۱۳۸۰
۷. رفیع پور، فرامرز؛ آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، سروش، ۱۳۷۸
۸. صدر، محمد باقر؛ اقتصاد ما؛ چاپ دوم؛ ترجمه: عبدالعلی اسپهبدی؛ انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۵۷
۹. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دفتر تبلیغات، قم ۱۳۶۶.ه.ش
۱۰. علی بن ابی طالب (ع)؛ نهج البلاغه؛ ترجمه: محمد دشتی؛ ج ۱۰؛ قم؛ دفتر نشر الهادی؛ ۱۳۷۹
۱۱. کلینی، الکافی؛ دار الکتب الإسلامیة، تهران؛ چاپ چهارم، ۱۳۶۵
۱۲. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: غلامعباس توسلی رضا فاضل، چاپ پانزدهم، سمت، ۱۳۸۳
۱۳. مجلسی، شیخ محمد باقر؛ بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار؛ بیروت؛ لبنان، طبع ثانی؛ ۱۴۰۳ هجری قمری
۱۴. محسنی، منوچهر، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی؛ چاپ اول، طهوری، ۱۳۸۶
۱۵. محمدی ری شهری، محمد؛ سیاست نامه امام علی (ع)، ترجمه: محمد مهریزی، چاپ اول، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۹

۱۶. محمدی، ری شهری؛ موسوعه الإمام علی بن ابی طالب فی الكتاب وسنه والتاریخ؛ قم

، دارالحدیث، ۱۴۲۱ه ق

۱۷. مریجی، شمس الله؛ کاربرد جامعه شناسی در تبلیغ، چ اول؛ قم، تپش، ۱۳۸۷

۱۸. مطهری مرتضی؛ مجموعه آثار، چاپ چهارم، صدرا، تهران، ۱۳۸۸

۱۹. مکارم شیرازی؛ ناصر؛ پیام امام امیرالمؤمنین (ع)؛ انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع)، قم

۱۳۸۷

۲۰. نوری میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت، قم ۱۴۰۸هجری قمری